



بررسی نتایج چهارمین فصل کاوش در بنای ساسانی جهانگیر ایلام

لیلا خسروی^۱

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۳۹-۲۱۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.17.219

چکیده

بنای جهانگیر به دنبال مسأله قرارگیری در تراز سیلابی سد کنگیر ایوان در استان ایلام، در خلال سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ ه.ش.، کاوش و تعیین عرصه و حریم شد. تاکنون سه مرحله معماری و نقشه بخش‌هایی از یک بنای بزرگ شامل ۱۱ فضا مشخص گردیده که فضای ۱۱ (XI) در چهارمین فصل کاوش پدیدار شد. این فصل از کاوش به دنبال این پرسش که نحوه دستیابی و ارتباط بین ساختارها و فضاهای به دست آمده از کاوش‌های فصول پیشین در پشته مرکزی با تالار اصلی بنا چگونه بوده است؟ و نیز با هدف پی‌گردی مسیر دسترسی و تشخیص ورودی تالار اصلی انجام شد. نمایان شدن سازه مدور معماری در این فضا و آثار منقول ارزشمند، ابعاد جدیدی از این بنا را پیش‌روی ما قرار داد و بر ما روشن گشت که آثار هنری گوناگون آن، متأثر از هنر رایج دوره ساسانی با هویت مستقل محلی خود هستند. آغاز استقرار در محوطه به دوران پیش از تاریخ در بخش شمالی آن بازمی‌گردد. سپس مجدد در دوره اشکانی مورد توجه قرار گرفته و پس از آن در دوره ساسانی مجموعه بناهایی، به ویژه در بخش مرکزی آن احداث می‌شود. نتایج آزمایشات سالیابی همگی تاریخ اواخر ساسانی را برای جهانگیر تأیید می‌کند، اما پیدا شدن درهم نقره شاپور دوم در این فصل از کاوش، نشان می‌دهد که احتمالاً حیات در بنا از دوره میانه ساسانی شروع و تا قرون نخستین اسلامی مورد استقرار متناوب قرار گرفته است. گردآوری اطلاعات این پژوهش به شیوه میدانی، کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی صورت گرفته و این نوشتار توصیفی-تحلیلی و به روش مقایسه‌ای انجام شده است. با کاوش در این بنا، نتایج مهمی در مورد درک فرآیند فرهنگی جوامع مرفه دوره ساسانی در این حوزه فرهنگی از ایرانشهر ساسانی و شیوه‌های معماری محلی اعیانی در این دوره حاصل شد.

کلیدواژگان: جهانگیر، معماری، ساسانی، سد کنگیر، ایلام.

مقدمه

عدم وجود راه‌های ارتباطی و محدود شدن محققین برای شناخت این دوره تاریخی به محدود آثار کاوش شده در گذشته، علت ناشناخته بودن بسیاری از آثار ارزشمند معماری در این ناحیه از غرب ایران است که ساخت سد کنگیر و آبگیری آن در سال ۱۳۹۴ ه.ش.، امکان کاوش در بنای جهانگیر، یکی از محوطه‌های شاخص ساسانی در این منطقه را فراهم کرد. آغاز استقرار در محوطه جهانگیر به دوران پیش از تاریخ در بخش شمالی آن بازمی‌گردد؛ سپس در دوره اشکانی مورد توجه قرار گرفته و پس از آن در دوره ساسانی مجموعه بناهایی، به ویژه در بخش مرکزی آن احداث می‌شود. در این محوطه ۱۷ هکتاری، وجود چند بنای بزرگ و دو گورستان قابل مشاهده است که طی چند فصل کاوش در مهم‌ترین بخش محوطه، پشته مرکزی در مجاورت تالار اصلی مستطیل شکل، نقشه بخش‌هایی از یک بنای بزرگ شامل ۱۱ فضا نمایان شد. سازه‌های معماری فراوانی مربوط به دوران پیش از اسلام در این ناحیه از غرب ایران باقی مانده است که علاوه بر عوامل سیاسی اجتماعی، زیرساخت‌های طبیعی و زیست‌محیطی هم‌چون موقعیت ویژه این منطقه در زاگرس مرکزی، واقع شدن بر سر یکی از راه‌های باستانی به بین‌النهرین و غیره را می‌تواند از عوامل مؤثر در برپایی این بناها و شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها باشد.

اهداف و پرسش پژوهش: تاکنون بیشتر کاوش‌های دوره ساسانی در ایران به دنبال ایجاد یک مسأله شکل گرفته‌اند، اما در این پژوهش علاوه بر مسأله ساخت سد، پرسش محور نیز بود و اهداف اصلی آن، علاوه بر مستندسازی بنا در اثر قرارگیری در تراز سیلابی سد کنگیر، پاسخ‌گویی به پرسش‌های مهم و خلأهای مطالعاتی مربوط به دوران انتقال ساسانی به اسلامی در غرب ایران بود. این فصل از کاوش به دنبال این پرسش که نحوه دستیابی و ارتباط بین ساختارها و فضاهای به دست آمده از کاوش‌های فصول پیشین در پشته مرکزی با تالار اصلی بنا چگونه بوده است؟ و نیز با هدف پی‌گردی مسیر دسترسی و تشخیص ورودی تالار اصلی انجام شد.

روش پژوهش: گردآوری اطلاعات این پژوهش به شیوه میدانی، کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی صورت گرفته و این نوشتار توصیفی-تحلیلی و به روش مقایسه با دیگر یافته‌های هم‌زمان انجام شده است.

پیشینه پژوهش

«لویی واندنبرگ» با کاوش در گورستان‌های جوب‌گوهر، بان‌کبود (پلیه ۱ و ۲) و آتشکده سیاهگل در سال ۱۹۷۰ م.، نخستین مطالعات باستان‌شناسی در منطقه را انجام داد (VandenBerghe, 1971). پس از وی، «فریا استارک» از آثار اطراف رودخانه کنگیر دیدن کرد و از آنجا راهی عراق شد (استارک، ۱۳۵۸). بعد از انقلاب در سال ۱۳۸۰ ه.ش.، «بیان پیرانی» به بررسی اجمالی منطقه پرداخت و بنای جهانگیر را شناسایی نمود (پیرانی، ۱۳۸۰)، سپس در سال ۱۳۸۲ ه.ش.، این اثر با شماره ۸۴۶۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. پس از آن در سال ۱۳۸۶ ه.ش.، «ابراهیم مرادی» بررسی حوضه آبگیر سد کنگیر را انجام داد و تعداد ۱۱ اثر شناسایی کرد (مرادی، ۱۳۸۶). در سال ۱۳۹۴ ه.ش.، چند گمانه آزمایشی توسط «حمید امان‌الهی» در تالار مستطیل شکل جهانگیر ایجاد شد و سرانجام در خلال سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ ه.ش.، بنای جهانگیر طی چهار فصل توسط نگارنده، کاوش و تعیین عرصه و حریم شد.

موقعیت جغرافیایی بنای جهانگیر

بنای جهانگیر با مختصات جغرافیایی 38s:X:606595 و Y:3752695 در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان ایوان، در ۱۰ کیلومتری جنوب شهر زرنه، در حدود ۶۵ کیلومتری شمال غرب ایلام و در

غرب روستای سرتنگ واقع شده است. رودخانه کنگیر با فاصله حدود ۳۰۰ متری در جنوب آن با جهت شرق به غرب در جریان است. ایلام کنونی در دوران اشکانی و ساسانی، جزو سرزمین «پهله» بود که بعدها اعراب آن را «جبال» نامیدند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۲)؛ این ایالت به دو بخش شمالی «ماسبدان» و جنوبی «مهران قذق» تقسیم شده بود که جهانگیر در بخشی از ایالت ماسبدان به نام «آریوحان» قرار می‌گرفته است.



تصویر ۱. بنای جهانگیر در مجاورت رود مرزی کنگیر (یاری، ۱۳۹۸).

روش کاوش

نگارنده در ابتدا روش کاوش افقی هندسی به صورت حفر کارگاه‌های ۱۰×۱۰ متر را برای جهانگیر انتخاب نمود، اما ذکر این نکته ضروری است که کاوش در محوطه‌های دوران تاریخی براساس شبکه‌های ایجادشده توسط نقشه بردار، به جهت تداخل آن با محدوده‌های بنا، کار را مختل می‌کرد؛ بنابراین، بهترین روش، همان پی‌گردی دیوارها و نمایان کردن بقایای معماری با همان روش کاوش افقی است که در انتهای کار، می‌توان بقایای معماری به دست آمده را روی نقشه پیاده کرد. پس از بررسی سطحی محوطه و تصاویر هوایی، با در نظر گرفتن وضعیت توپوگرافی و اهداف پژوهشی و حفاظتی، محل کارگاه‌ها (ترانشه‌ها) در نظر گرفته شد. کاوش در بناهای دوران تاریخی، در واقع همان برداشت لایه‌های آواری در درون بناست و ثبت و ضبط و مستندنگاری داده‌ها و مواد فرهنگی حاصل از کاوش به صورت لایه، فیچر و پدیده (یافته‌های منقول) انجام شد. ضمن خاک برداری در میان آوارهای برداشته شده از درون فضاها، بنای جهانگیر، یافته‌های گوناگون معماری و تزئینات وابسته به آن (گچ‌بری‌ها)، سنگی، سفالین، شیشه‌ای، استخوانی و گیاهی به دست آمد. یادآور می‌شود که روش لایه‌نگاری در بنا با محوطه‌هایی که صرفاً شامل نهشته بدون یافته‌های معماری بوده، قدری متفاوت است. برای شناسایی لایه‌های مختلف در بخش‌های سالم، چند برش از لایه‌های برداشت شده از درون بنا نگه‌داشته شد که براساس بررسی و تحلیل آن‌ها می‌توان به شناخت توالی لایه‌های استقرار دست‌یافت و به منظور تشخیص وسعت،

کف‌های مختلف استقراری، نوع پی‌سازی و چگونگی ساخت، درون برخی از فضاها گمانه‌های آزمایشی نیز ایجاد شد.

یافته‌های معماری

بنای جهانگیر با مصالح قلوه‌سنگ و ملات گچ نیم‌پخته نیم‌کوب مشتمل بر: تالار، ایوان، ایوانچه، اتاق‌ها و فضای روباز (حیاط) بوده که در آن طاق‌نماها، قوس‌ها و تزئینات گچی فاخری به‌کار رفته است. در این بنا سه مرحله معماری قابل شناسایی است. در مرحله اول، بنا را بالاشه‌سنگ و ملات گچ، روی یک محوطه اشکانی ساخته‌اند. در مرحله دوم، سازه‌های دیگری به بنا اضافه شده و مرمت‌هایی در آن انجام شده است؛ و در مرحله سوم، بنا متروک شده و توسط کوچ‌نشینان مورد استفاده قرار گرفته که این تغییرات با به‌کارگیری مصالح باقی‌مانده از آوارهای بنای اصلی و ملات گل انجام شده است. بیشترین آسیب وارده به بنا در سطح فوقانی آن بوده و پوشش فضاهای سرپوشیده با طاق گهواره‌ای از مصالح آجر و ملات گچ بوده است که بقایای آن‌ها به صورت قطعات بزرگ و کوچک در آوار داخل فضاها وجود داشت. در دوره ساسانی گاهی آجرها به صورت غیرمعماری در رج‌های عمودی با ملات گچ به‌کار برده شده‌اند. این شیوه در بناهای اشکانی آشور، پی طاق‌کسری و کاخ دامغان نیز دیده می‌شود (روتز، ۱۳۸۷: ۶۴۲ و ۶۴۳). تاریکی، سرما و عدم جریان هوا در اتاق‌های فاقد پنجره از معضلات معماری این نوع بناهاست و مهم‌ترین خصوصیات معماری آن‌ها نامتقارن بودن ساختار هندسی، جدایی بخش اندرونی و بیرونی، تنوع فضایی فراوان، وجود بخش مذهبی و نقش مهم ایوان در سازمان فضایی مجموعه است (طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). بافت معماری جهانگیر از نظر کارکرد بدون طاقچه و وسایل روزمره زندگی بوده است.

فضای ۱۱ (IS.X)

فضای ۱۱ (XI) در واقع ادامه فضای ۱ (I) است که در مربع‌های ۲.۰B, ۳.۰B, C۲, C۳ شبکه‌بندی تپه قرار دارد و برای آشکار کردن ارتباط بین فضای پشته مرکزی با تالار مستطیل‌شکل تعیین و مورد کاوش قرار گرفت. طول ترانشه در راستای شرقی غربی و عرض آن در راستای شمالی جنوبی و شیب آن به سمت شمال شرقی و مرکز به سمت جنوب غربی است که اختلاف ارتفاع آن در بالاترین و پایین‌ترین سطح به ۱۴۰ سانتی‌متر می‌رسد. بیشترین عمق کاوش در تراز ۲۷۲- سانتی‌متر در محدوده کنار پله منفرد مکشوفه در بخش غربی ترانشه است. این سطح، بلافاصله روی کف مربوط به دوران قدیمی‌تر (اشکانی) قرار دارد. در مجموع تعداد ۸ فیچر شامل یک دیوار، یک ورودی، لغاز دیوار، دو کف گچی، یک سازه مدور گچی، یک پله و یک کف کوبیده شناسایی شد که با لحاظ کردن فیچرهای به‌دست‌آمده از فصول قبلی کاوش و جهت رعایت ترتیب موجود، از شماره ۸۰ تا ۸۷ شماره‌گذاری شدند. هم‌چنین در این فصل یک برش از لایه‌های برداشت شده از درون بنا در سمت شمال فضای ۱۱ (XI) برای شناسایی توالی استقرارها نگه داشته شد. در این فضا عناصر مختلف معماری به شرح ذیل نمایان شد.

- دیوار

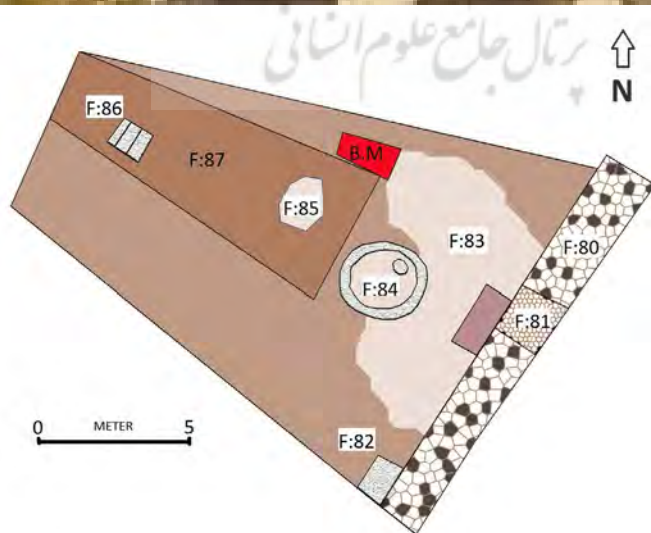
فیچر ۸۰، دیوار ضلع غربی تالار اصلی به طول ۱۲/۴۵ متر و عرض بین ۱۲۰ تا ۱۶۰ سانتی‌متر با مصالح لاشه‌سنگ و ملات گچ نیم‌پخته نیم‌کوب بوده که بیشترین و کمترین ارتفاع باقی‌مانده از آن به ترتیب ۵۰ سانتی‌متر در جنوب و ۱۶۰ سانتی‌متر در مرکز است. سطوح بیرونی و درونی دیوار دارای اندود گچ بوده و فیچر ۸۱ (ورودی بنا) این دیوار را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است.



تصویر ۲. نمایی از فضای ۱۱ (XI) پس از کاوش (نگارنده، ۱۳۹۸).

- کف‌های استقراری

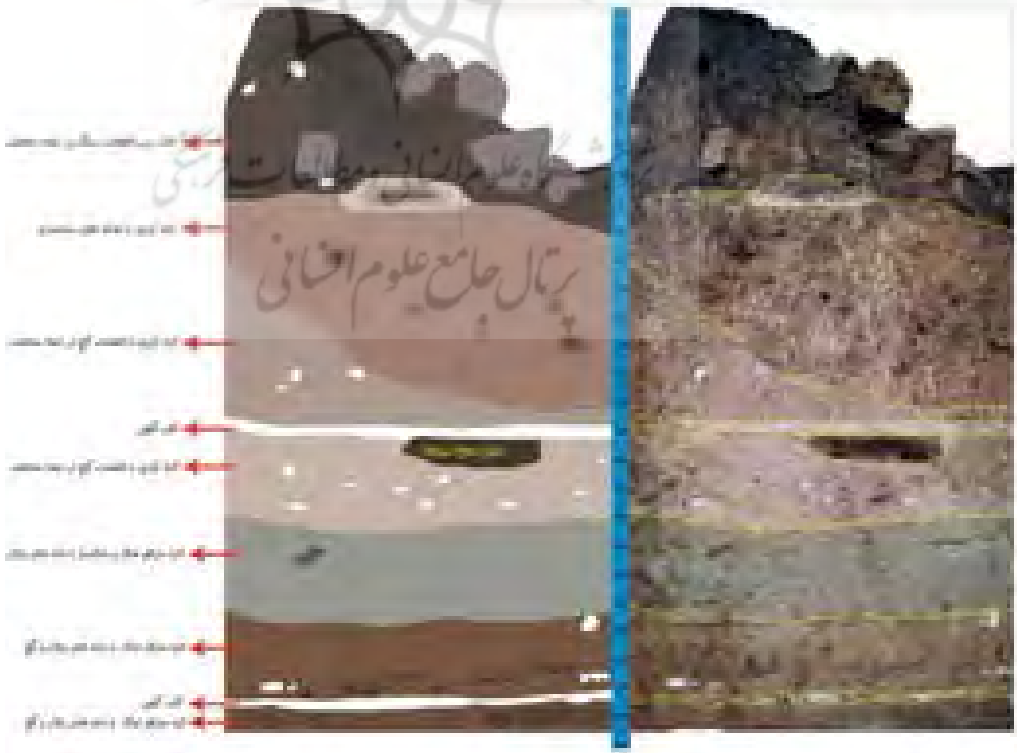
در فصول پیشین به منظور تشخیص کف‌های مختلف استقراری و نوع پی‌سازی و ساخت بنا، در درون برخی از اتاق‌ها، گمانه‌های آزمایشی ایجاد شد و در نهایت مشاهده گردید که شیوه کف‌سازی در فضاهای مختلف بنا یکسان نیست. هم‌چنین در این فصل، یک برش از لایه‌های برداشت شده از درون بنا در سمت شمال فضای ۱۱ (XI) برای شناسایی توالی استقرارها در بنا نگه‌داشته شد. کف‌های شناسایی شده در بنا، از دو نوع گلی و گچی بودند. در برش، تعداد ۹ لایه دو کف استقراری گچی به ضخامت ۴ تا ۷ و ۳ تا ۵ سانتی‌متر کاملاً مشهود است و باتوجه به سایر یافته‌ها، دو دوره استقراری مهم در بنا وجود داشته که برخی از سازه‌ها مربوط به دوره استقراری



تصویر ۳. فیچرهای یافت شده در فضای ۱۱ (XI)، (نگارنده، ۱۳۹۸).

جدیدتر است. پایین‌ترین لایه، یک کف کوبیده به رنگ قهوه‌ای در عمق ۲۵۲- سانتی‌متری مربوط به دوره اشکانی بود که بنای جهانگیر در دوره ساسانی روی آن احداث شده است. پس از آن یک لایه شن به ضخامت ۱۱ سانتی‌متر درست در زیر دیوارها وجود داشت که به نظر می‌رسد نوعی زیرسازی برای ساخت دیوار بوده است. پس از اتمام این لایه، لایه‌ای از خاک رس قهوه‌ای یک‌دست قرار داشت.

فیچر ۸۳، یک کف گچی به ضخامت بین ۴ تا ۷ سانتی‌متر، مربوط به دوره استقرار سازه مدور بوده که بخش‌هایی از آن در بخش شرقی کارگاه باقی مانده است. این کف روی سطح نسبتاً شیب‌داری با اختلاف تراز حدود ۱۵ سانتی‌متر ساخته شده و نسبت به کف اصلی بنا ۴۵ سانتی‌متر بالاتر و در نتیجه جدیدتر است. دارای شیب ملایمی از سمت شمال شرقی به جنوب غربی بوده، به شکلی که بالاترین تراز آن ۱۹۰- سانتی‌متر از نقطه مبناست؛ درحالی‌که تراز بالایی این کف در برخی قسمت‌ها از جمله بخش ورودی تالار اصلی به ۲۰۵- سانتی‌متر می‌رسد. روی این کف، یک قطعه سکه نقره شاپور دوم به دست آمد.



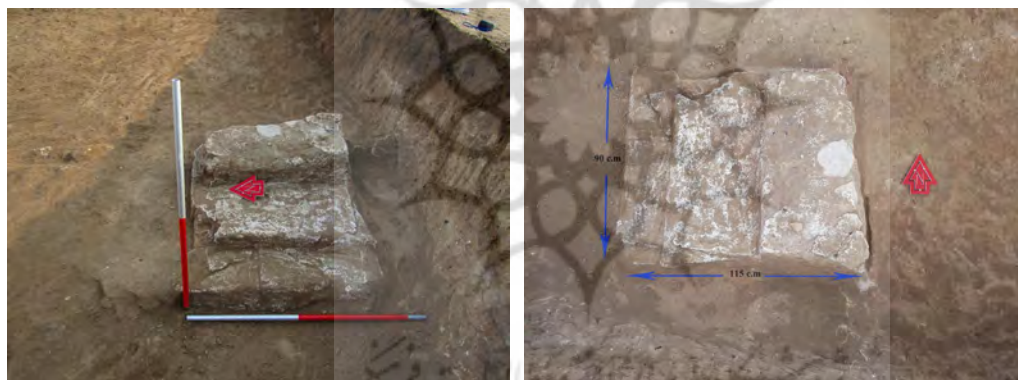
تصویر ۴. بخشی از کف گچی استقرار مربوط به مرحله دوم معماری در سمت شمال فضای (XI)۱۱ (نگارنده، ۱۳۹۸).

فیچر ۸۵ یک کف استقراری به ضخامت بین ۴ تا ۶ سانتی متر به شکل سطحی کوبیده و متراکم با روکش گچ بوده که فقط بخش‌هایی از آن در مرکز کارگاه باقی مانده و بالاترین و پایین‌ترین تراز آن بین ۲۴۷- تا ۲۵۴- سانتی متر از نقطه مبناست.

فیچر ۸۷، یک کف کوبیده گلی مربوط به دوره اشکانی است که تراز بالایی آن در کنار پله مکشوف در مرکز ضلع غربی کارگاه، ۲۴۷- سانتی متر از نقطه مبناست.

- پله

فیچر ۸۶، یک پله سه طبقه منفرد در مرکز ضلع غربی کارگاه است که پله اول (پایین) و مسیر حرکت در این پله از سمت غرب به شرق است. عرض شمالی جنوبی ۹۰ سانتی متر و طول شرقی غربی آن بین ۱۰۵ تا ۱۱۵ سانتی متر متغیر است. پایین‌ترین تراز این فیچر ۲۷۲- سانتی متر است. عرض پله‌ها از بالا به پایین عبارت است از: پله بالایی شمال ۳۵، جنوب ۴۳؛ پله دوم ۴۳ و پله سوم ۲۲ سانتی متر. این فیچر، تنها با فیچر شماره ۸۷ (آخرین کف مکشوف) در ارتباط است. در بنای جهانگیر انواع پله برای ارتباط بین فضاها مشاهده شد، اما در این فضا عدم یافتن هرگونه شواهدی از قبیل بقایای معماری متصل یا مرتبط با این فیچر، کار را در خصوص تشخیص کاربری یا نقش آن در مجموعه بناهای موجود با دشواری روبه‌رو کرده است. ادامه کاوش در این کارگاه و محدوده اطراف آن، علاوه بر پاسخ دادن به پرسش‌های اصلی موجود در خصوص کاربری مجموعه بناهای موجود و بخش‌های مختلف آن، می‌تواند کاربری آن و سازه مدور گچی را مشخص کند.



تصویر ۵. پله منفرد سه طبقه در فضای ۱۱ (XI) (نگارنده، ۱۳۹۸).

- لغز دیوار

فیچر ۸۲، لغز یا پیش‌آمدگی قسمتی از دیوار و متصل به گوشه جنوب غربی تالار اصلی به طول ۱۲۵ و عرض ۶۰ سانتی متر بوده که از قلوه‌سنگ و ملات و روکش آندود گچ ساخته شده است. بیشترین ارتفاع باقی مانده از این ساختار ۱۱۷ سانتی متر بوده که برای جلوگیری از ریزش دیوار کاربرد داشته و تراز آن بین ۱۱۵- و ۲۲۷- سانتی متر از نقطه مبناست.

- چاله کرسی (اجاق)

انواع چاله کرسی و اجاق مربوط به استقرارهای مختلف در لایه‌های گوناگون دوران ساسانی و اسلامی در بنا ظاهر شد. در محدوده مرکزی کارگاه و تراز ۲۰۴- سانتی متری، بقایای چندین اجاق و سطح گسترده‌ای از شواهد مرتبط با استفاده از آتش به دست آمد. اجاق‌ها به شکل دایره و اندازه‌های مختلف که دیواره آن‌ها از پوشش گلی حرارت دیده ضخیم تشکیل شده و درون آن‌ها دارای مقدار زیادی زغال و خاکستر بود که نتایج حاصل از مطالعات میکروسکوپی آن‌ها منتج به شناسایی بقایای دانه‌ها، میوه‌ها و گیاهان گوناگون با فراوانی نسبی متفاوت گردید (شیرازی، ۱۳۹۸).



تصویر ۶. اجاق‌های پدیدار شده در فضای ۱۱ (XI) (نگارنده، ۱۳۹۸)

- حوضچه (سازهٔ مدور)

فیچر ۸۴، یک سازهٔ تقریباً مدور گچی از لاشه‌سنگ با ملات گچ در فاصلهٔ ۲/۴۵ متری در غرب ورودی تالار اصلی است که جهت شکل‌دهی آن، به‌ویژه در بخش بیرونی، از پالت‌های گچی قالب‌گیری شده با انحنایی به سمت داخل استفاده شده است. قطر این سازه، بین ۲/۳۰ تا ۲/۴۵ متر و بالاترین تراز آن ۱۷۰ سانتی‌متر است. ارتفاع این سازه از بیرون (از سطح کف گچی مجاور) ۲۵ سانتی‌متر، با تراز ۲۰۱- سانتی‌متر و عمق سازه در مرکز ۳۲ سانتی‌متر، با تراز ۲۳۲- سانتی‌متر و عمق آن در محدودهٔ فضای مدور عمیق (بخش شمال‌شرقی) ۶۴ سانتی‌متر، با تراز ۲۶۵- سانتی‌متر است. در قسمت شمال‌شرقی کف این سازه، بخش فرورفتهٔ مدوری قرار دارد که فضایی بسته بوده و هیچ‌گونه منفذی در آن دیده نمی‌شود و مانند سایر قسمت‌ها دارای اندود گچ است. نبود هرگونه شواهد فرهنگی مرتبط با این ساختار، تشخیص کاربری آن را دشوار کرده است. حتی درون فضای داخلی این سازه نیز خبری از آوار نبود و تنها به‌وسیلهٔ خاک رس قهوه‌ای‌رنگ نرم و فاقد هرگونه نخاله یا آوار ساختمانی و بدون هیچ‌گونه نشانه‌ای از تخریب و شاید به‌شکل عمودی پُر شده بود. این سازه با دومین کف گچی استقرار شناسایی شده در ارتباط است. به‌عبارتی سازهٔ مدور مکشوف با ارتفاع ۴۵ سانتی‌متر بالاتر از نخستین کف استقراری بنا و در دوره‌ای جدیدتر ساخته شده است. تنها نشانه‌های قابل ارزیابی و مشابه این سازه در کاخ کیش در راهروهای تعریض شده در کنار اتاق گنبددار، به‌شکل حوضچه‌های مدور و ناهموار با کف اندود شده شناسایی گردیده است (کروگر، ۱۳۹۶: ۴۱۰).



تصویر ۷. سازهٔ مدور پدیدار شده در فضای ۱۱ (XI)، (نگارنده، ۱۳۹۹).

- درگاه

فیچر ۸۱، ورودی تالار اصلی بنا بوده که در مرکز دیوار ضلع غربی تالار واقع شده است. در بخش پایینی ورودی دو کف گچی تشخیص داده شد که لایه‌ای به ضخامت ۴۵ سانتی‌متر بین این دو کف قرار گرفته بود. عرض ورودی در بخش پایینی ۱۱۴ و در قسمت بالایی ۱۲۰ سانتی‌متر است. ارتفاع باقی‌مانده دیوار دو طرف این ورودی، ۱۶۰ سانتی‌متر از کف، هم‌تراز با سازه مدور (کف اول) و ۲۰۰ سانتی‌متر از کف اصلی بنا (کف دوم) است. بالاترین تراز کف اصلی ورودی (کف دوم) ۲۵۰- سانتی‌متر و کف اول (کف بالایی) و مرتبط با سازه مدور ۲۰۵- سانتی‌متر از نقطه مبنا و ضخامت هر دو کف بین ۴ تا ۷ سانتی‌متر متغیر است. در بنای جهانگیر انواع درگاه‌های ورودی و ارتباطی ساده و پلکانی در فضاهای مختلف با طاق قوسی و ساده و عرض بین ۶۵ تا ۱۲۰ سانتی‌متر شناسایی شد که به احتمال فراوان درهای ورودی این بنا از جنس چوب بوده که در گذر زمان از بین رفته‌اند.

مصالح بنا

مصالح بنا از لاشه سنگ، گچ و آجر با ملات گچ نیم‌پخته نیم‌کوب در مرحله اصلی معماری در دوره ساسانی و ملات گل در مرحله عشایری در دوران اسلامی است؛ گرچه بهره‌گیری از عنصر سنگ در معماری دوره ساسانی در سایر نقاط ایران مرسوم بوده، اما وفور سنگ‌های مناسب و منابع سنگ گچ در منطقه، ساخت‌وساز را برای آن‌ها تسهیل می‌نموده است. سنگ گچ در اینجا ماده اصلی برای بالا آوردن دیوارها و به صورت نیم‌کوب، ملات اصلی در بنا بوده است. در بین آوارهای سقف فضاها، آجرهای مربع به اندازه‌های ۳۱×۳۱×۷ و مستطیل ۳۲×۱۵×۷ سانتی‌متر با ملات گچ که برای ساخت پوشش سقف‌های گهواره‌ای در بنا به کار برده شده، به دست آمد. برای شناخت اجزاء سازنده ملات‌های گچ در بنا، ۵ نمونه از ملات کف سازه مدور به آزمایشگاه پتروگرافی و XRF پژوهشکده مرمت ارسال شد، که نتایج آن به شرح ذیل ارائه گردید.

جدول ۱. نتایج آنالیز عنصری ۵ نمونه ملات گچ کف سازه مدور (مدنی، ۱۳۹۹).

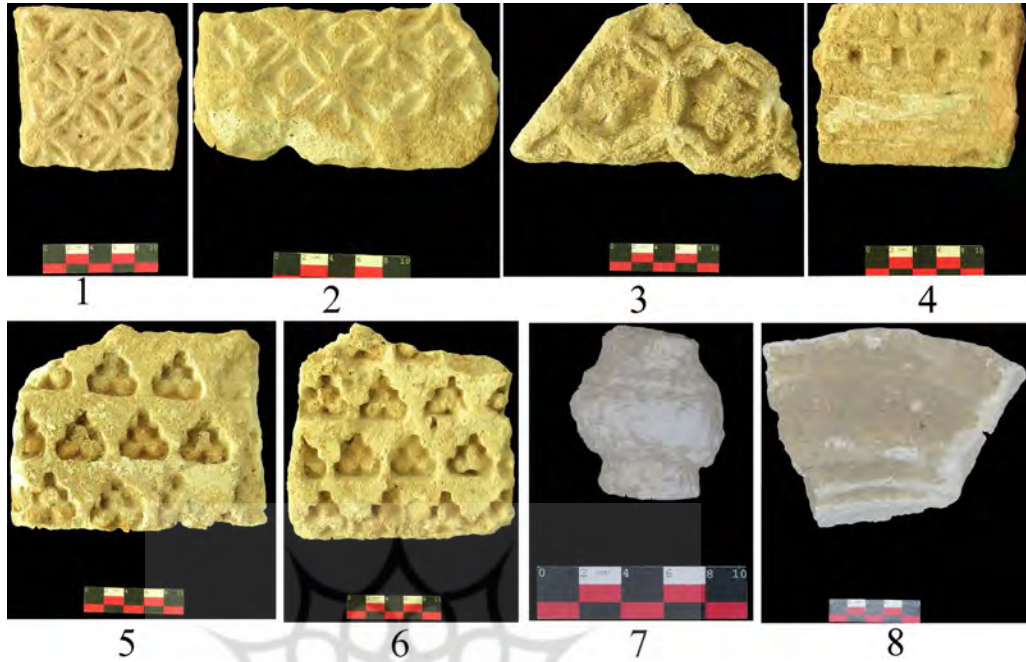
نمونه	NA2O سدیم	Mgo منیزیم	Al2O3 آلومینوم	SiO2 سیلیس	P2O5 فسفر	S03 گوگرد	CL کلر	K2O پتاسیم	CaO کلسیم	TiO2 تیتانیوم	Cr2O3 کروم	MnO منگنز	Fe2O3 آهن	SiO استرانسیم	LOI افت حرارتی
1	0.23	0.32	0.60	2.1	0.058	37.9	-	0.023	37.6	0.043	-	-	0.304	-	20.86
2	0.47	0.30	0.57	2.1	0.094	37.8	-	0.024	38.4	0.046	-	-	0.35	-	20.16
3	0.43	0.31	0.61	2.2	0.084	38.2	-	0.023	37.9	0.042	-	-	0.33	-	20.13
4	0.35	0.33	0.60	2.1	0.062	38.2	-	0.022	37.8	0.043	-	-	0.33	-	20.31
5	0.41	0.38	0.67	2.4	0.077	37.7	-	0.025	37.8	0.051	-	-	0.37	-	20.39

۵ نمونه مورد مطالعه دارای ترکیب مشابه هستند و اختلافی از نظر ترکیب ندارند و اندازه آن‌ها درشت و متبلور حدود ۱ میلی‌متر است. در این نمونه‌ها کانی اصلی که حدود ۹۰٪ از حجم نمونه‌ها را تشکیل داده، ژیبس است و به صورت قطعات درشت و بلور و هم‌چنین ریزدانه و تشکیل دهنده اصلی زمینه‌هاست. اکسید آهن، دیگر کانی سازنده به رنگ قهوه‌ای است و حدود ۱٪ نمونه‌ها را تشکیل می‌دهد. کانی کوارتز به مقدار خیلی جزئی و ریزدانه وجود دارد و فضای خالی موجود در خمیره درشت بوده و بافت نمونه‌ها متخلخل است (بهشتی، ۱۳۹۹). با آنالیز ملات‌ها، گچی بودن ساختار سازه مدور برای ما محرز شد.

یافته‌های گچی

ضمن خاک برداری در میان آوارهای برداشته شده از درون این فضا، تزئینات گچ‌بری با آرایه‌های

گیاهی، هندسی و تعدادی نقش معکوس در درون چارچوب‌های متنوع هندسی مشابه فصول قبل نمایان گردید (ر.ک. به: خسروی، ۱۳۹۹).



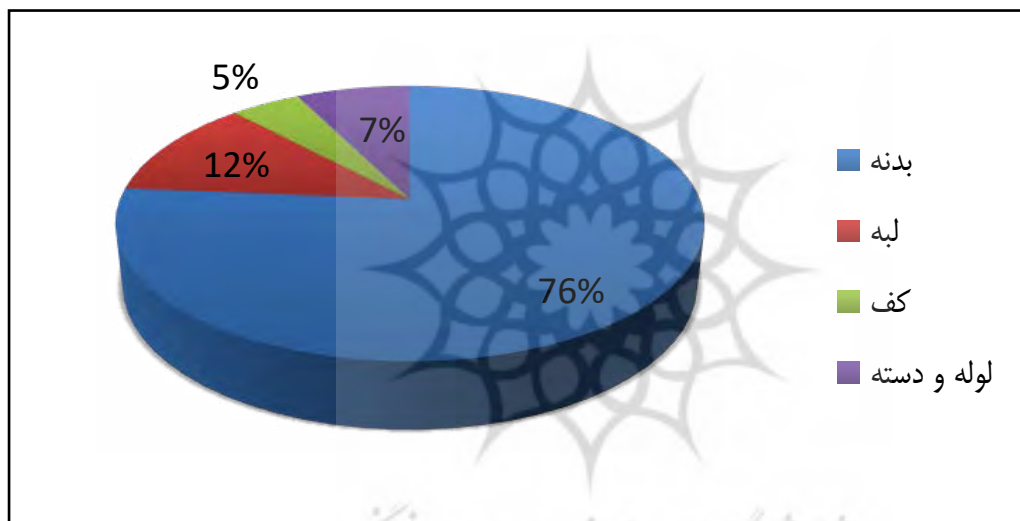
تصویر ۸. گزینه یافته‌های شاخص گچی فضای ۱۱ (XI)، (نگارنده، ۱۳۹۹).

جدول ۲. گزینه یافته‌های شاخص گچی فضای ۱۱ (XI)، (نگارنده، ۱۳۹۹).

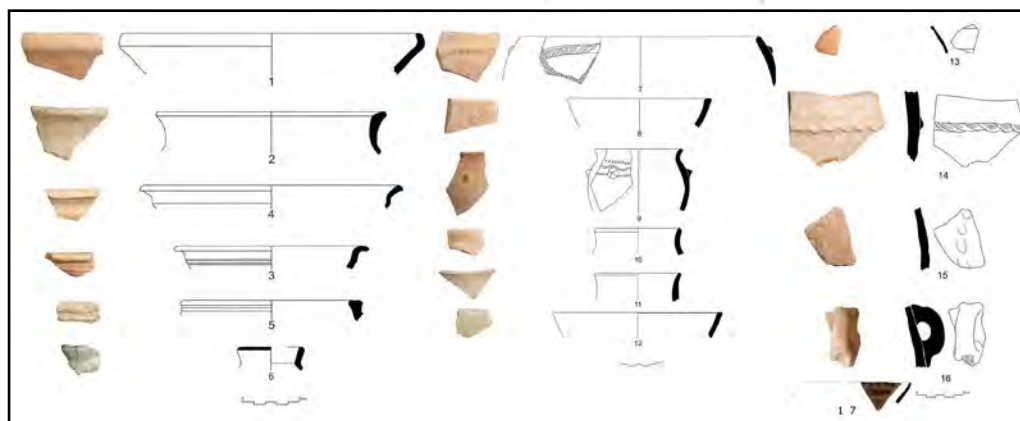
تصویر	ابعاد (سانتی‌متر)				نام فضا	نام تزئین	نوع تزئین	شماره
	طول	عرض	عمق	ارتفاع				
	-	-	۲۵	۲۰	XI	بخشی از یک افریز گچی با نقش هندسی	هندسی	۱
	-	-	-	-	XI	بخشی از یک افریز گچی با نقش هندسی	هندسی	۲
	-	۱۴	۲۵	۲۸	XI	بخشی از یک ابزار مثلثی شکل با نقش گل رزت چندپر درون قاب‌های هندسی شش‌ضلعی	هندسی	۳
	-	-	۶/۵	۱۲/۵	XI	بخشی از یک قرنیز با نقش کنگره‌ای	هندسی	۴
	-	-	۲۱/۵	۲۲/۵	XI	نقش گل شبدر درون یک قاب کنگره‌ای	هندسی و گیاهی	۵
	-	-	۱۸	۲۳	XI	نقش گل شبدر درون یک قاب کنگره‌ای	هندسی و گیاهی	۶
	-	-	۲۴	۲۷	XI	بخشی از یک قوس مطبق	ابزار هلالی	۷
	-	-	۷	۸	XI	-	ابزار تزئینی	۸

یافته‌های سفالین

در لایه‌ها و فضاهاى مختلف بنای جهانگیر، به‌ویژه در فضای ۹ (IX)، انواع سفال شامل: اشکال مختلف کوزه، بشقاب، دیگچه، خمره‌های کوچک و بزرگ و غیره یافت شد. نتایج آزمایش پتروگرافی روی تعدادی از گزینه سفال‌ها که در آزمایشگاه پژوهشکده مرمت انجام شد، نشان می‌دهند که کل منطقه متشکل از: رسوبات آهکی، ماسه‌سنگ، سیلت استون، سنگ‌های تبخیری و رسوبات وابسته به آن‌هاست و برخی از سفال‌ها تولید محلی و تعدادی نیز منشأ آن‌ها در منطقه وجود ندارد (بهشتی، ۱۳۹۶: ۱۰). رنگ خمیره سفال‌ها نخودی، نخودی آجری و نخودی مایل به خاکستری و آمیزه آن‌ها کانی است. سفال‌ها از نظر تزئینات در دو گروه بدون لعاب (ساده) و لعاب‌دار تقسیم‌بندی شدند و درمیان آن‌ها، سفال‌های شاخص دوره ساسانی با کتیبه پهلوی مشاهده شد. سفالینه‌های یافت‌شده در این فصل مشابه فصول قبلی کاوش در بنا بود، با این تفاوت که طی کاوش تعدادی سفال جلینگی بلافاصله روی آخرین فیچر کاوش شده در این فصل، فرضیه ساخته شدن این بنای ساسانی را روی بقایای یک استقرار اشکانی تأیید می‌کند.



تصویر ۹. نمودار فراوانی یافته‌های سفالین فصل چهارم کاوش (نگارنده، ۱۳۹۹).



تصویر ۱۰. نمونه سفال‌های یافت‌شده از فصل چهارم کاوش (نگارنده، ۱۳۹۹).

جدول ۳. مشخصات نمونه سفال های یافت شده از فصل چهارم کاوش (نگارنده، ۱۳۹۹).

شماره	توصیفات	گانه نگاری
۱	لیه، چرخ ساز، 5YR 7/6 reddish yellow	ساسانی
۲	لیه، دست ساز، 10 YR 7/2 light gray	ساسانی
۳	لیه، چرخ ساز، 7.5 YR 7/4 pink	ساسانی
۴	لیه چرخ ساز، 7.5 YR 7/4 pink	ساسانی
۵	لیه، چرخ ساز، 10 YR 8/4 very pale brown	ساسانی
۶	لیه، چرخ ساز، 1 5GY 7/1 light greenish gray	ساسانی
۷	لیه، چرخ ساز، 7.5 YR 7/4 pink	ساسانی
۸	لیه، چرخ ساز، 7.5 YR 7/4 pink	ساسانی
۹	لیه، چرخ ساز، 7.5 YR 6/3 light brown	ساسانی
۱۰	لیه، چرخ ساز، 7.5 YR 7/4 pink	ساسانی
۱۱	لیه، چرخ ساز، 7.5 YR 8/3 pink	ساسانی
۱۲	لیه، چرخ ساز، 5Y 8/2 pale yellow	ساسانی
۱۳	بدنه، چرخ ساز، 5YR 6/6 reddish yellow	اشکانی
۱۴	بدنه، دست ساز، 10 YR 8/3 very pale brown	ساسانی
۱۵	بدنه، دست ساز، 5YR 5/6 reddish brown	ساسانی
۱۶	بدنه و دسته، دست ساز، 7.5YR 6/6 reddish yellow	ساسانی
۱۷	بدنه، چرخ ساز، 5YR 6/6 reddish yellow	اشکانی

یافته‌های شیشه‌ای

طی کاوش در این فصل نیز تعداد زیادی قطعات شیشه به دست آمد که یافته‌های شیشه‌ای از فصول قبل به روش میکروپیکسی در آزمایشگاه واندوگراف پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای آنالیز شد. آثار شیشه‌ای شامل: عطردان، پایه و بدنه ظروف، ظروف آرایشی و زیورآلات هستند. طیف رنگی این آثار شامل رنگ‌های سبز، شیری، زرد و رگه‌های قرمز و قهوه‌ای است. ترکیبات عمده تشکیل دهنده شیشه‌ها، اکسید سیلیسیم، سدیم و کلسیم است. با توجه به این که درصد سدیم و منیزیم در نمونه‌های آنالیز شده بالای ۲/۵٪ است؛ بنابراین تمام شیشه‌ها، از نوع شیشه‌های سیلیکا-سودا-آهک بوده که معمولاً برای تهیه آن از شن و ماسه یا سنگ چخماق و از خاکستر گیاهان به عنوان مواد اولیه سودا به عنوان مواد گدازآور در ترکیبات شیشه استفاده شده است (Henderson, 2013). بالا بودن درصد وزنی اکسید منیزیم یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شیشه‌های ساسانی است و نتایج آزمایش نشان می‌دهند که میزان اکسید منیزیم در این نمونه‌ها بیشتر از ۳/۵٪ است. شیشه‌ها دارای اکسید سیلیسیم پایین و اکسید سدیم بالا هستند و از نظر منابع تأمین‌کننده خاکستر و سیلیس با نمونه‌های به دست آمده از عراق متفاوت‌اند؛ به طوری که سیلیس به کاررفته در ایران، میزان آلومینیوم بیشتری دارد و در سودای استفاده شده، نسبت اکسید منیزیم به کلسیم از نمونه‌های عراق بیشتر است و می‌توان نتیجه گرفت که اساساً سودا و سیلیس از منابع بومی منطقه تأمین می‌شده است؛ هم‌چنین آزمایشات نشان داد که عناصر آهن و مس به عنوان عامل رنگ‌زا و اکسید منگنز به عنوان اکسید رنگ‌بر در نمونه‌ها استفاده شده و به صورت عمدی به خمیر شیشه اضافه شده است (آقاعلی‌گل و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۸-۵۱).

یافته‌های گیاهی

در هنگام کاوش، با نمونه‌های گیاهی فراوانی برخورد شد که نتایج حاصل از مطالعات میکروسکوپی بقایای دانه‌ها و میوه‌های به دست آمده، منجر به شناسایی گیاهان گوناگون با فراوانی نسبی متفاوت گردید. نمودار دانه‌شناسی نشان می‌دهد که غلاتی مانند گندم و جو، بالاترین فراوانی نسبی گونه‌های گیاهی را به خود اختصاص داده و سایر گیاهان مانند: حبوبات زراعی و غیرزراعی، میوه‌ها و گیاهان خودرو از فراوانی نسبی بسیار اندکی برخوردار هستند. هم‌چنین ۲۵ قطعه زغال چوب متعلق به چهار گونه درختی متعلق به ساختار گیاهی آبدوست، استپ جنگلی و استپ/بیابانی، مانند بادام، بید و اسفناجیان با فراوانی نسبی متفاوت شناسایی گردید (شیرازی، ۱۳۹۸).

یافته‌های فلزی

یک قطعه سکه نقره به قطر ۲۶ و ضخامت ۱٫۶ میلی‌متر روی کف استقرار مرحله دوم معماری شناسایی شده در فضای ۱۱ (XI) به دست آمد. در نخستین فصل کاوش نیز یک سکه کوچک مفرغی از فضای ۱ (I) که ادامه همین فضا بوده، یافت شد. سکه‌ها برای پاک‌سازی، آنالیز عنصری و خوانش به آزمایشگاه فلز پژوهشکده مرمت و «ریکا گیزلن» ارسال شدند که نتایج آن به شرح ذیل ارائه گردید. (به دست آمدن اشیاء تاریخی در بستر فرهنگی / تاریخی خود شانس بزرگی است که بتوان تاریخی دقیق برای آن‌ها پیشنهاد داد).

- متن شناسی سکه‌های مکشوفه

سکه نقره (درهم)

Šābuhr II (۳۷۹-۳۰۹): شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م.)

Obverse legend: Type 1: علائم روی سکه

at 11 o'clock: mzdysn bgy šh[pw]h[l]y MLK<An MLKA> "Mazdaean, Lord, Šabuhr, king of kings"

در موقعیت ساعت ۱۱: سرور (= بغ) مزداپرست شاپور شاهنشاه

Revers legend: علائم پشت سکه

at 4 o'clock: illegible for NWRA

در موقعیت ساعت ۴: ناخوانا است NWRA برای

at 9 o'clock: šh<pw]hly> "Fire of Šabuhr"

در موقعیت ساعت ۹: آتش شاپور (Gyselen, 2020 & Schindel, 2004).

سکه نقره متعلق به «شاپور دوم»، «شاپور بزرگ» یا «شاپور ذوالاکناف» دهمین پادشاه ساسانی (۳۷۹-۳۰۹ م.) است که روی آن تصویر نیم‌رخ راست شاپور با تاج کنگره‌دار و گویی بر بالای آن، با رشته‌ای از مروارید به دور گردن مشهود است. بر پشت سکه یک آتشدان با ستون بلند و دو ملازم در طرفین آن تصویر شده که در بالای آن درمیان شعله‌های آتش سر یک فرد تا سینه قرار دارد. شاید این دگرگونی پدیدآمده درمیان شعله‌های آتش را با صفت مشخصه نوین آتش که بر پشت سکه‌ها ضرب شده را مربوط می‌سازد (لوکونین، ۱۳۹۴: ۳۰۴-۳۰۳). در پژوهش‌های اخیر، نیم‌تنه مذکر با هاله نور یا شعله‌های آتش را نشانگر فره کیانی یا شاهی می‌دانند که تصویر نیم‌تنه پشت سکه از نظر چهره، آرایش و تاج و تن‌پوش کاملاً با نیم‌تنه پادشاه ساسانی روی سکه مطابقت دارد؛ اما لوکونین معتقد بوده، که نیم‌تنه مربوط به اهورامزدا است. این نوآوری نمایش فره شاهنشاه بر پشت سکه ساسانی نخستین بار در زمان «هرمزد دوم» ساسانی (۳۰۹-۳۰۲ م.) انجام گرفت و در زمان «بلاش» (۴۸۸-۴۸۴ م.) شاهد آخرین نمونه‌های آن هستیم (خلیل‌الهی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۸: ۲۰۶). در پشت سکه‌های نخستین شاهان ساسانی کلمه «آذر» (آذر، آتش) به‌اضافه نام شاه ضرب می‌شده و از زمان «بهرام پنجم» فقط نام شاه ذکر گردیده است. از آنجایی که تا اواخر قرن پنجم میلادی، محل ضرب سکه‌ها مشخص نمی‌شد (دریایی، ۱۳۸۷: ۱۱۵)، متأسفانه روی سکه اشاره‌ای به نام ضربخانه نشده است. «اردشیر» و سپس شاپور، اسواران خود را از استان‌های اصلی ایران بیرون کشیدند و به تصرف غرب که در آن روزگار «دل ایرانشهر» نامیده می‌شد، پرداختند (لوکونین، ۱۳۹۴: ۱۱۶). ساسانیان از زمان شاپور دوم به ایالت غرب به دلیل نزدیکی به تیسفون نظر خاصی داشتند (Genito, 1997: 538). دقیقاً از زمان شاپور دوم خلق یادمان‌های ساسانی در پارس متوقف و در غرب ایران ادامه می‌یابد که با این اوصاف حضور سکه شاپور دوم در بنای جهانگیر چندان دور از ذهن نیست. در حاجی‌آباد فارس (Azarnoush, 1994) و کاخ شماره دو کیش سکه و نیم‌تنه پادشاهی که برخی او را شاپور دوم می‌دانند (Bier, 1993) به دست آمده است. نمونه مشابه این نوع سکه در موزه استان قدس با شماره ثبت ۱۳۹۴/۱۳/۲۱۸ (موزه استان قدس رضوی) و موزه ملک با شماره اموال: ۳۰۰۱.۰۶.۰۰۰۵ و ۱۰۰۰.۰۶.۰۰۱۲۱ قابل مشاهده است (موزه ملک).

آنالیز عنصری سکه نقره شاپور دوم با استفاده از آزمایش XRF در آزمایشگاه پژوهشگاه پژوهش‌های میراث فرهنگی درصد بالای وزنی عنصر نقره به مقدار ۸۶٫۹۰٪ و وجود ۰٫۵۵۳٪ عنصر طلا در سکه را نشان می‌دهد (مدنی، ۱۳۹۹). در پشت سکه‌های شاپور دوم به نام ضربخانه اشاره نشده و تعدادی از سکه‌ها در ضربخانه‌های سیار برای پرداخت دستمزد سپاهیان با درصد خلوص نقره کمتری ضرب می‌شدند؛ درحالی‌که آنالیز این سکه ثابت کرد که این سکه از نوع سکه‌های اصل در زمان خود بوده و در ضربخانه‌های معتبر آن دوران ضرب شده است.

- سکه مفرغی سرب‌دار

(? Voici la réponse de Vienne: unidentifiable copper? coin (Parthian)

جدول ۴. نمونه سکه‌های یافت‌شده (نگارنده، ۱۳۹۹).

تصویر	کاهنگاری	پشت سکه			روی سکه				نام شاه	اندازه	نوع و جنس	شماره
		ترجمه	آوانویسی	حرف‌نویسی	نقش	ترجمه	آوانویسی	حرف‌نویسی				
	(۳۷۹-۳۰۹ م) ساسانی	آتش شاپور	Fire of Šābūhr	šh<pwihly>	آتشدان با ستون بلند و دو ملازم در طرفین و نیم‌تنه انسانی	سرور (= بخ) مزداپرست شاپور شاهنشاه	"Mazdaean, Lord, Šabūhr, king of kings"	mzdysn bgy šh pw h ly MLK<An MLKA>	نیم‌رخ راست شاه با تاج کنگره‌دار و گویی در بالای آن موی مجعد و دارای گردنبند	قطر: 26 mm ضخامت: 1.6 mm	درهم نقره	۱
	نامعلوم اشکالی؟	-	-	-	احتمالاً عترب	-	-	-	نقش نامفهوم تاج شاه	وزن: ۱/۶ گرم	منقح سرب‌دار	۲

جدول ۵. آنالیز عنصری سکه نقره ساسانی (مدنی، ۱۳۹۹)

نمونه	Si	P	Ti	V	Cr	Fe	Cu	Bi	Ag	Sn	Au	Pb
	سیلیسیم	فسفر	تیتانیوم	وانادیوم	کروم	آهن	مس	بیسموت	نقره	قلع	طلا	سرب
1	2.16	0.052	0.179	0.105	0.512	0.850	8.09	0.114	86.90	0.240	0.553	0.212

- سکه غیرقابل شناسایی، احتمالاً اشکانی؟ (Gyselen, 2020)

در نخستین فصل کاوش در فضای ۱ (I) که درواقع ادامه آن، فضای ۱۱ (XI) در فصل چهارم بود، یک قطعه سکه کوچک مفرغی در عمق ۲۷۵- سانتی متری از نقطه مبنا به وزن ۱/۶ گرم، قطر ۶ و ضخامت ۳ میلی متر به دست آمد که در آزمایشگاه جنس آن مفرغ سرب دار تشخیص داده شد. گیزلن، جنس آن را مسی تشخیص داده بود که به دلیل خوردگی زیاد امکان شناسایی تصایر رو و پشت سکه قدری دشوار است، اما در هر حال روی سکه تصویر تاج شاه و پشت آن تصویری شبیه به عقرب قابل شناسایی است. سکه های مسی و مفرغی در دوران اشکانی و ساسانی برای معاملات و دادوستد محلی در داخل شهرها مورد استفاده بوده اند (ملکزاده بیانی، ۱۳۷۴: ۲۵). به دلیل عدم وضوح نقوش، امکان تاریخ گذاری دقیق این سکه دشوار است؛ گرچه حضور آن در تحتانی ترین لایه استقرار بنا با وجود سفال جلینگی در این لایه، می تواند گواه تعلق آن به دوره اشکانی باشد.



تصویر ۱۱. سکه های یافت شده از فضای ۱۱ (XI)، (نگارنده، ۱۳۹۹).

گاه نگاری بنا

براساس نتایج آزمایشات سالیابی که به روش ترمولومینسانس روی ۳ نمونه آجر و ۳ نمونه سفال و مطالعات مقایسه ای که روی یافته های مختلف انجام گردید، همگی تاریخ اواخر دوره ساسانی را برای بنای جهانگیر تأیید می کرد (بحرالعلومی، ۱۳۹۷: ۴ و ۵). اما به دست آمدن سکه نقره شاپور دوم در این فصل از کاوش، نشان می دهد که احتمالاً حیات در آن، از اواسط دوره ساسانی شروع و تا قرون نخستین اسلامی مورد استقرار متناوب قرار گرفته و حیات فرهنگی منطقه بعد از فرآیند گذار از ساسانی به اسلامی هم چنان با تغییرات نامحسوسی تداوم داشته است. (نگارنده امیدوار است که در کاوش های آینده، مدارک مستدل تری در حمایت از این ادعا به دست آید).

نتیجه گیری

جهانگیر، یکی از آثار ارزنده معماری ساسانی در این ناحیه از غرب ایران است که به دنبال مسأله قرارگیری در تراز سیلابی سدکنگیر، پشته مرکزی آن کاوش شد. تاکنون نقشه بخش هایی از یک بنای بزرگ شامل ۱۱ فضا مشخص گردیده و فضای ۱۱ (XI) که درواقع ادامه فضای ۱ (I) بود، در پاییز ۱۳۹۸ ه.ش، پدیدار شد. چهارمین فصل کاوش به منظور دستیابی به چگونگی ارتباط بین ساختارها و فضاهای به دست آمده از فصول قبلی کاوش با تالار اصلی بنا و نیز مشخص نمودن مسیر دسترسی این دو بخش و تشخیص ورودی تالار اصلی انجام شد که در ادامه کاوش، علاوه بر پدیدار شدن ورودی مورد نظر در وسط ضلع غربی بنا، بقایای یک پله و ساختار گچی مدور به همراه یافته های منقول ارزشمندی به دست آمد؛ هم چنین در این فصل، یک برش از لایه های برداشت شده از درون بنا در جهت شمال فضای ۱۱ (XI) برای شناسایی توالی استقرارها در بنا نگه داشته شد. تعداد ۹ لایه و دو کف استقرار گچی به ضخامت ۴ تا ۷ و ۳ تا ۵ سانتی متر در برش کاملاً مشهود است و باتوجه

به سایر یافته‌ها، دو دوره استقراری مهم در بنا وجود داشته که برخی از سازه‌ها مربوط به استقرار جدیدتر است. پایین‌ترین لایه، یک کف کوبیده به رنگ قهوه‌ای در عمق ۲۵۲- سانتی متری مربوط به دوره اشکانی بوده که بنای جهانگیر در دوره ساسانی روی آن ساخته شده است.

بخش نمایان شده از کاوش فصل چهارم بنای جهانگیر، ابعاد جدیدی از این بنا را پیش روی ما قرار داد و یکی از نتایج چشمگیر این فصل، نمایان شدن سازه مدوری است که گرچه تعیین کاربری این عنصر معماری دشوار است، اما شاید سازه‌ای مربوط به آماده‌سازی شراب بوده باشد. در فصول قبل، سه مرحله معماری در بنا شناسایی شد و بر ما روشن گشت که آثار هنری گوناگون آن، متأثر از هنر رایج دوره ساسانی با هویت مستقل محلی خود هستند. نتایج آزمایشات سالیابی روی نمونه‌های فصول قبلی کاوش، همگی تاریخ اواخر دوره ساسانی را برای جهانگیر تأیید می‌کرد اما به دست آمدن سکه نقره شاپور دوم در این فصل از کاوش، نشان می‌دهد که احتمالاً حیات در بنا از دوره ساسانی شروع و تا قرون نخستین اسلامی مورد استقرار متناوب قرار گرفته و حیات فرهنگی منطقه بعد از فرآیند گذار از ساسانی به اسلامی هم‌چنان با تغییرات نامحسوسی تداوم داشته است. کاوش در این بنا نتایج مهمی در مورد درک فرآیند فرهنگی جوامع مرفه دوره ساسانی در این حوزه فرهنگی ایران در اختیار گذاشت و علاوه بر مشخص شدن بخشی از معماری مسکونی/ تشریفاتی این دوره، درک نسبی از شیوه‌های معماری محلی حاصل شد. با شناخت بهتر کیفیت و عرصه‌های مختلف زندگی ساسانیان که بنای جهانگیر یک نمونه از آن‌هاست، می‌توان ارزیابی بهتری از آثار این دوره داشت. نقشه معماری ساسانی تا عصر ما نیز هم‌چنان در معماری غرب ایران پایدار مانده است.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم علاوه بر اعضای تیم و حامیان پروژه، از همکاران پژوهشکده مرمت در بخش‌های مختلف جهت آنالیز، پاکسازی و سالیابی نمونه‌ها به ویژه خانم‌ها نعیمی، مدنی، عظیمی و آقایان بهشتی، پارسا قاسمی، خانم‌ها ریکا گیزلن و کتابیون فکری پور برای خوانش سکه‌ها سپاس خود را ابراز نمایم.

کتابنامه

- ابن خردادبه، ابوالقاسم عیبدالله بن عبدالله، (۱۳۷۰). المسالك و الممالک. ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: نشر مهارت.
- استارک، فریا، (۱۳۵۸). سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام. ترجمه علی محمد ساکی، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- آقاعلی‌گل، داود؛ سودایی، بیتا؛ خسروی، لیلا؛ و کریمی، مینا، (۱۳۹۸). «بررسی و مطالعه مصنوعات شیشه‌ای دوره ساسانی؛ نمونه مطالعاتی: شیشه‌های محوطه گنبد جهانگیر و (تپه) گوریه در استان ایلام با استفاده از روش میکروپیکسی». مجله باستان‌سنجی، سال ۵، شماره ۲، صص: ۴۷-۷۰.
- بحرالعلوم، فرانک، (۱۳۹۷). «گزارش نتایج سالیابی ۵ نمونه آجر و سفال حاصل از کاوش محوطه جهانگیر در حاشیه رود کنگیر ایوان در استان ایلام». تهران: پژوهشکده حفاظت و مرمت، پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- بهشتی، ایرج، (۱۳۹۶). «گزارش مطالعه میکروسکوپی ۲۰ نمونه سفال محوطه گنبد جهانگیر (استان ایلام)». تهران: پژوهشکده حفاظت و مرمت، پژوهشگاه میراث فرهنگی.

- بهشتی، ایرج، (۱۳۹۹). «گزارش مطالعه میکروسکوپی ۵ نمونه ملات گچ محوطه گنبد جهانگیر (استان ایلام)». تهران: پژوهشکده حفاظت و مرمت، پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- پیرانی، بیان، (۱۳۸۵). «گزارش بررسی و شناسایی شهرستان ایوان در استان ایلام». ایلام: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان ایلام (منتشر نشده).
- خسروی، لیل، (۱۳۹۹). «یافته‌های گچی ساسانی از بناهای اعیانی گوریه و جهانگیر بر کرانه رود کنگیر ایوان در استان ایلام». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲۴، صص: ۱۴۱-۱۶۷.
- خلیل‌اللهی، سارا؛ و ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۹۸). «جلوه‌های تصویری و نوشتاری فره یا خوره بر سکه‌های ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م.)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۲، دوره ۹، صص: ۲۱۶-۱۹۷.
- دریایی، تورج، (۱۳۸۷). شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر ققنوس.
- روتر، اسکار، (۱۳۸۷). «تاریخچه معماری دوره ساسانی». در: بررسی هنر ایران، به‌کوشش: آرتور پوپ و فیلیس اکرم، تهران: نشر علمی و فرهنگی، صص: ۶۳۹-۷.
- شیرازی، زهره، (۱۳۹۸). «گزارش مطالعات گیاه‌باستان‌شناسی محوطه گنبد جهانگیر». زاهدان: پایگاه جهانی شهر سوخته.
- طهماسبی، احسان، (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی معماری کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی ساسانیان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۴، دوره ۳، صص: ۱۶۸-۱۵۳.
- کروگر، ینس، (۱۳۹۶). تزئینات گچ‌بری ساسانی. ترجمه فرامرز نجدسمعی، تهران: نشر سمت.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، (۱۳۹۴). تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت‌اله رضا، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- مدنی، فرح، (۱۳۹۹). «گزارش نتیجه آزمایش آنالیز شیمیایی یک قطعه سکه ساسانی حاصل از کاوش محوطه جهانگیر ایلام به وسیله دستگاه XRF دستی براساس درصد وزنی عناصر تشکیل‌دهنده». تهران: پژوهشکده حفاظت و مرمت، پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- مرادی، ابراهیم، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی و شناسایی حوضه آبگیر سد کنگیر». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- ملکزاده‌بیانی، ملکه، (۱۳۷۴). تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمه تا دوره اشکانیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- AghaAliGol, D.; Sodaei, B.; Khosravi, L. & Karimi, M., (2019). "A Survey study of glass artifacts of the Sassanid period; Case Study: Glass artifacts from Gonbad Jahāngir & Gowriyeh Tepe via Micro-PIXE method". *Bāstān-Sanji*, No. 5(2), Pp: 47-70 (In Persian).

- Azarnoush, M., (1994). *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran*. Monografie di Mesopotamia III, Florence, and Casa Editrice Le Lettere,

- Bahroloulomi, F., (2018). "Report on the results of dating 5 samples of bricks and pottery from the excavation of Jahangir". Tehran: Research Institute for Conservation and Restoration, Cultural Heritage Research Institute (In Persian).

- Beheshti, I., (2017). "Report of Microscopic study of twenty pottery samples of Gonbad-I Jahangir (Ilam province)". Tehran: Research Institute for Conservation and Restoration, Cultural Heritage Research Institute (In Persian).

- Beheshti, I., (2020). "Report of Microscopic study 5 samples of gypsum mortar of Gonbad-I Jahangir (Ilam province)". Tehran: Research Institute for Conservation and Restoration, Cultural Heritage Research Institute (In Persian).
- Bier, L., (1993). "The Sasanian Palaces and Their Influence in Early Islam". *Ars Orientalis*, Vol 23, Pp: 57-66.
- Daryaee, T., (2008), *Sassanid Empire*, Translated by: Morteza Saqebfar, Tehran: Qoghnos Publishing (In Persian).
- Genito, B., (1997). "The Sasanian Manor House at Hajjabad. A review Article". *Annali dell'Istituto Orientale*, Napoli, Pp: 537-548.
- Gyselen, R., (2020). "Personal conversation". (Personal conversation).
- Henderson J., (2013). *Ancient glass: an interdisciplinary exploration*. Cambridge University Press.
- <http://malekmuseum.org/artifact/3001.06.00051> & <http://malekmuseum.org/artifact/0000.06.10017>.
- <https://museum.razavi.ir/fa/57355>.
- IbnKhordādbeh, A.U., (1991). *Al-Masālek va Al-Mamālek, H. Qarehchanlu (Trns.)*. Tehran: Maharat Publications (In Persian).
- Khalilollahi, S. & Abolghasemi, M., (2019). "Figurative and Written Aspects of Farrah on Sasanian Coins (224-651 CE)". *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, No. 22 (9), Pp: 197-216 (In Persian).
- Khosravi, L., (1399). "Newly-found Stucco Remains from the Sasanian Noble Residence at Gowriyeh and Jahāngir near the Kangir River of Eyvan, Ilam Province". *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, No. 10(24), Pp: 141-167 (In Persian).
- Kröger, J., (1982). *Sasanidischer Stuckdekor*. Mainz: P. von Zabern.
- Loukonin, V. G., (2015). *Sassanid Iranian Civilization*. Translated by: Enayatollah Reza, Scientific and Cultural publication (In Persian).
- Madani, F., (2016). "Report of XRF test results on A piece of Sassanid coin from excavation of Jahangir site in Ilam province". Tehran: Research Institute for Conservation and Restoration, Cultural Heritage Research Institute (In Persian).
- Malekzadeh Bayani, M., (1374). *The history of coins from the oldest period to the Parthian period*. Tehran: University of Tehran Press (In Persian).
- Moradi, E., (2007). "Kangir Dam Archaeological Survey Report". Tehran: Archaeological Research Institute Documentation Center (In Persian).
- Pirani, B., (2001). "Survey report of Eyvān County in Ilam province". Ilam: Cultural heritage documentation center of Ilam province (In Persian).
- Reuther, O., (1938). "Sasanian Architecture". In: *A survey of Persian Art*, Vol 5. Ed. Arthur Upham Pope, Oxford University, Pp: 493-578 (In Persian).
- Shirazi, Z., (2019). "Report on Plant Archaeological Studies of Jahangir". Zahedan: Shahr-I Sukhteh (In Persian).
- Stark, F., (1979). *The Valleys of the Assassins: And Other Persian Travels*. Ali

Mohammad Saki (Trns.), 2nd Edition, Tehran: Scientific/Cultural Publications (In Persian).

- Tahmasebi, E., (2013), “Comparative analysis of Sasanian Palaces and Royal residences”. *Pazhohesh-ha-ye Bastanshenasi Iran*, No. 4(3), Pp: 153-168 (In Persian).

- Vanden Berghe, L., (1971). (e) 6th campaign. 1970. “excavations at Bard-e Bal. surveys in the district of Ayvān at Darvand. Kazāb. Seh Pā. Imamzadeh Gilan Gharbi (Emānzāda-ye Gilān-e Ġarbi): “La nécropole de Bard-i Bal au Luristan”. *Archéologia*, No. 43, Pp: 14-23.

